

روزنه

سال ۲۰۲۱ خوش‌یمن نیست

● سال ۲۰۲۱ قرار بود سال خوبی برای بخت و اقبال ائتلاف غربی باشد؛ اما در نهایت فاجعه‌ای در ابعاد بزرگ بود. به گزارش ایسنا، روزنامه دیلی تلگراف در گزارشی نوشت: ورود جو بایدن به ریاست‌جمهوری در ابتدای سال جاری میلادی قطعا این انتظار را ایجاد کرد که دوره تصدی او به پهبود اختلافات حادی که مشخصه روابط ترانس‌آتلانتیک در دوره دونالد ترامپ بود، کمک می‌کند.
بایدن خودش همین را گفت و در سخنرانی مراسم تحلیفش قول داد از دموکراسی دفاع کند؛ قولی که در ادامه و در سخنرانی بعدی او در محل وزارت خارجه آمریکا با قول دیگری مبنی بر اینکه جایگاه رهبری واشنگتن را در صحنه جهانی بازیابی کند، همراه شد.بایدن گفت: آمریکا بازگشته است، دیپلماسی بازگشته است. او اضافه کرد دولتش برای «بازپس‌گیری اعتبار و اقتدار اخلاقی ما» کار خواهد کرد؛ اما امروز این کلمات جقدر توخالی به نظر می‌رسند، زیرا بایدن، دور از هرگونه احیای هژمونی غرب در امور جهانی، کع عوض ناظر بر فرسایش فاجعه‌بار توانایی غرب برای تأثیرگذاری بر رویدادها بوده است؛ امری که برای بقای حاکمیت دموکراتیک در سال ۲۰۲۲ خوش‌یمن نیست. اگر بایدن در ادعایش درباره بازسازی روابط با اروپا جدی است، پس چرا سرزمندگی دیپلماتیک عدم انتصاب سفیری از سوی آمریکا در هیچ‌یک از پایتخت‌های بزرگ اروپایی-ازجمله لندن- را برای تقریبا تمام سال اول ریاست‌جمهوری خود تحمل کرده است؟ این رهبر آمریکا قطعا در بخش عمده‌ای از تقصیر افول شدید نفوذ غرب سهیم است؛ همچنان که ضعف و بلاتکلیفی ذاتی او برای همگان به‌ویژه دشمنانی مانند چین و روسیه آشکار شده است. روسیه کشور دیگری است که با پوشیدن ضعف در واشنگتن، تلاش خود را برای ایجاد حداکثر تفرقه و اختلال در اروپا تشدید کرده است. قرار بود نشست دوساعته بایدن با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه بر زرتو در ژنو، کرملین را متقاعد کند که واشنگتن برای ایفای نقش رهبری جهانی خود جدی است. پوتین به‌وضوح متقاعد نشد همچنان که رفتارهای بعدی او شامل بازگرفتن از اروپا از نایب‌نمای‌های آن به انزوی، دامن‌زدن به بحران مهاجران در بلاروس و تهدیدش به حمله به اوکراین نشان‌دهنده این امر بود. حتی اکنون که مسکو بر اساس گزارش‌ها بیش از صد هزار سرباز را در مرزهای شرقی اوکراین تجمع کرده، این احتمال وجود دارد که بایدن تسلیم تمایل خود برای رضای‌کردن کرملین با پایان‌دادن به هر آمیدی در قبال دستیابی کی‌یف به عضویت کامل در ناتو شود. به لطف خروج سنجدیده آمریکا از افغانستان در دولت بایدن، غرب دیگر توانایی ردیابی فعالیت‌های گروه‌های تروریستی افراط‌گرا را ندارد. درحالی‌که منابع معدنی گران‌بهای افغانستان به پکن هدیه داده شده است. اگر آخرین سنکر اعتبار دولت بایدن با اجرای عقب‌نشینی تابستانی از کابل از بین رفت، عملکرد اخیر قدرت‌های بزرگ در اروپا نیز چندان رضایت‌بخش نبوده است. بحران انزوی خودساخته در آلمان باعث شد این کشور این دل‌مشغولی را پیدا کند که آیا باید انکایش به مسکو را بیا تصویب پذیرش پروژه خط لوله نورداستریم ۲ از حوزه باتلک عمیق‌تر کند یا خیر. از سوی دیگر، امانول مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه هم در بخش عمده سال گذشته تلافی و انتقام‌جویی در دوره پسابرگزیت علیه همسایگان انگلیسی خود را بیگیری کرد. در ضمن دیدگاه بوریس جانسون، نخست‌وزیر بریتانیا، در قبال جایگاه جهانی بریتانیا و هر نقش رهبری که این کشور ممکن است طالب آن باشد، نزاع‌های داخلی در این کشور را بر سر اینکه دولت انگلیس بیشتر به‌دنبال حزب‌گرایی است تا مدیریت کشور، بالا برده است. با نزدیک‌شدن به سال ۲۰۲۲، فقدان رهبری قوی و مؤثر در ائتلاف غربی قطعا باید دلیلی جدی برای نگرانی باشد؛ به‌ویژه به این دلیل که این مسئله قدرت‌های غربی را تا حد زیادی در برابر طرح‌های بدخواهانه دشمنان آسیب‌پذیرتر می‌کند. همان‌طور که ژنرال نیک کارتر، رئیس سابق نیروهای مسلح بریتانیا، اندکی پیش از یازدهنگگی‌اش در ماه گذشته میلادی هشدار داد، یکی از بزرگ‌ترین ریسک‌های تشدید تنش‌ها بین غرب و دشمنانش این است که یک اشتباه محاسباتی غم‌انگیز از سوی یکی از دو طرف می‌تواند منجر به جنگی آشکار شود. این امر به‌ویژه در قبال مسئله اوکراین صاف است؛ جایی که در ضمن نگرش سستیزه‌جویانه پوتین نسبت به بقیه اروپا، می‌تواند با یک حرکت نادرست از سوی نیروهای تحت رهبری او دچار عواقبی غم‌انگیز شود.

ادامه از صفحه ۵

عنصر مفقوده در پایداری توافق

تابوی مذاکره با آمریکا در مذاکرات دور اول روحانی شکست و هیچ اتفاق ناخوشایندی هم نیفتاد.
مطالبه غربی‌ها و کشورهای منطقه در مذاکره درباره توانمندی موشکی نباید به تابویی تبدیل شد که ورود احتمالی در آن فاجعه‌ای بزرگ تلقی شود.
منطق نیرومند ایران در چرایی توسعه برنامه موشکی در مقایسه با توان نظامی و اتمی اسرائیل، خریدهای محیرالعقول تسلیحاتی کشورهای منطقه و هرکما اخیر توسعه موشک‌های بالستیک عربستان در همکاری با چین، در صورت برخورداری هوشمندانه دیپلماسی، غرب را آچمز خواهد کرد. این در صورتی است که ایران همچنان برنامه تنش‌زدایی با آمریکا را با جدیت پی‌بگیرد.
روابط خود با کشورهای منطقه را ترتیم کند و در بزرگ‌نمایی غیرضروری توانمندی‌های خود خویشتن‌داری به خرج دهد.

نامش در فهرست سیاها ایالات متحده آمریکا قرار داشت، اما همچنان مورد اعتماد شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین بود و منطقه‌ای را فرمانداری می‌کرد که برای پکن اهمیتی دوچندان داشت: سین‌کیانگ. اما «چن گوانگو» روز گذشته بدون ذکر هیچ دلیلی از سمتش برکنار شد. هرچند عده‌ای بر این باورند که او نه‌تنها تنبیه نشده بلکه در کنگره بیستم به رده بالاری در حزب کمونیست می‌رسد، اما برخی دیگر بر این نکته تأکید می‌کنند که تغییر او به معنای تغییر سیاست‌های پکن در منطقه پرمناقشه سین‌کیانگ است؛ منطقه‌ای که بیش از ۱۰ میلیون نفر از مسلمان اویغور ترک‌تبار در آن سکونت دارند، اما نزدیک به دو میلیون نفر از شهروندان مسلمان چین که

بیشتر از اویغورتباران هستند، در اردگاه‌هایی به نام «بازآموزی» محبوس شده‌اند. پکن می‌گوید هدف این اردگاه‌ها، مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی است، اما برخی از سیاست‌مداران غربی و نهادهای حقوق‌بشری برخورد چین با اویغورها را نمونه‌ای از «نسل‌کشی» می‌دانند. این اعتراض‌ها تا آنجایی پیش رفت که درخواست فعالان حقوق بشر، آمریکا و برخی از دیگر کشورها بازی‌های المپیک زمستانی پکن را تحریم سیاسی کرده‌اند. زاین آخرین کشوری بود که برای شرکت در مراسم افتتاحیه نداشتند. اقدام زاین از این لحاظ اهمیت دارد که آن کشور روابط اقتصادی بسیار گسترده هم با آمریکا و هم با چین دارد. علاوه بر آمریکا، بریتانیا، استرالیا و کانادا نیز در چند هفته گذشته اعلام کردند بازی‌های المپیک را به دلیل نقض گسترده حقوق بشر در چین، به‌علوه صلح مسلمان، تحریم دیپلماتیک می‌کنند. پکن پیش از این به ائتلاف چهارگانه واشنگتن، لندن، کاتبرا و اتاوا هشدار داده بود «هزینه» این حرکت خود را خواهند پرداخت.

حال برخی از تحلیل‌گران بین‌المللی بر این نکته تأکید می‌کنند که برکناری چن گوانگو ۶۶ساله به معنای این است که چین در برابر آمریکا و دیگر کشورهای عمدتا اروپایی سر تعظیم خم کرده است؛ چراکه او از شخصیت‌های اصلی سرکوب اویغورتباران و سایر مسلمانان در سین‌کیانگ در غرب چین بوده است. چن قبل از تعیین‌شدن به‌عنوان



مأمور مورد اعتماد رئیس‌جمهوری چین در سین‌کیانگ برکنار شد

تعظیم یا تدبیر پکن

فرماندار سین‌کیانگ بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶ نماینده حزب کمونیست در تبت بود و به دلیل تلاش‌هایش برای برقراری نظم در آنجا، پس از تظاهرات‌ها و سلسله خودسوزی‌های راهبان بودایی، به چهره‌ای فراخوان داد که به حقوق بشر و حکومت قانون احترام بگذارد، و گفت نماینده دولتی به المپیک نمی‌فرستد. هیروکازو ماتسونو، سخنگوی دولت ژاپن، از لفظ «تحریم دیپلماتیک» که آمریکا و دیگران به کار برده‌اند استفاده نکرد، اما گفت مقام‌های توکیو برنامه‌های برای شرکت در مراسم افتتاحیه نداشتند. اقدام زاین از این لحاظ اهمیت دارد که آن کشور روابط اقتصادی بسیار گسترده هم با آمریکا و هم با چین دارد. علاوه بر آمریکا، بریتانیا، استرالیا و کانادا نیز در چند هفته گذشته اعلام کردند بازی‌های المپیک را به دلیل نقض گسترده حقوق بشر در چین، به‌علوه صلح مسلمان، تحریم دیپلماتیک می‌کنند. پکن پیش از این به ائتلاف چهارگانه واشنگتن، لندن، کاتبرا و اتاوا هشدار داده بود «هزینه» این حرکت خود را خواهند پرداخت.

حال برخی از تحلیل‌گران بین‌المللی بر این نکته تأکید می‌کنند که برکناری چن گوانگو ۶۶ساله به

معنای این است که چین در برابر آمریکا و دیگر کشورهای عمدتا اروپایی سر تعظیم خم کرده است؛ چراکه او از شخصیت‌های اصلی سرکوب اویغورتباران و سایر مسلمانان در سین‌کیانگ در غرب چین بوده است. چن قبل از تعیین‌شدن به‌عنوان

اتحاد ورشو و بروکسل علیه دشمن شرقی



تاریخی لهستان به شمار می‌رود. حزب حاکم اگرچه در داخل این کشور یک جریان «راست میانه» است، اما در مقیاس اروپایی، راست‌تر از راست‌های افراطی کشورهای مثل فرانسه و آلمان عمل می‌کند؛ سن‌کترایی و وفاداری به ارزش‌های مذهبی که منجر به وضع قوانین محدودکننده می‌شود، در گفتمان احزابی مثل جبهه ملی فرانسه و الترناتیو برای آلمان هم جایی ندارد. جریان‌های رسمی راست‌گرای افراطی اروپای غربی، احتمالا به دلیل رویایی طولانی با مهاجران عمدتا مسلمان و با وجود پایبندی به فرهنگ سنتی مسیحی، از دستاوردهای مدرن حقوقی و اجتماعی، نظیر برابری حقوقی زنان، مقابله با خشونت علیه اقلیت‌های مختلف و حتی حقوق حیوانات به‌عنوان سلاحی در برابر مسلمانان استفاده می‌کنند. «راست میانه» لهستان و بسیاری دیگر از کشورهای اروپای شرقی با توجه به زیست‌تاریخی قرن بیستم، هرگز چنین تجربه‌ای نداشته است. شاید این واقعیت تاریخی را بتوان یکی از میناهای ناهمخوانی سیاست‌های دولت لهستان با اتحادیه اروپا دانست.

چالش پولکزیت

جنبه دیگر تفاوت راست میانه و افراطی لهستان با جریان‌های مشابه در دیگر کشورهای اروپایی، نزدیکی به روسیه است. در حالی که راست‌های افراطی، از بیگانه‌ستیزی‌های بریتانیا گرفته تا حزب اتحاد ملی فرانسه، پوپولیست‌های لک‌ای ایتالیا، نئونازی‌های آلمان و دولت فیدز مجارستان، به «روسیه مقتدر سفیدپوست» تحت حاکمیت ولادیمیر پوتین نگاه می‌تحسین‌آمیز می‌بیند.

در همین چشم‌انداز، حرکت هزاران پناه‌جو از بلاروس به سوی مرزهای لهستان با چراع سیز برادر بزرگ‌تر در مسکو و صرفا به دست «دیکتاتور کوچک و انتقام‌جوی» مینسک انجام می‌شود. لهستان به عنوان خط مقدم رویارویی اتحادیه اروپا با روسیه، حمایت تمام و کمال بروکسل را خواستار است. تنش تاریخی و ژئوپلیتیک میان روسیه و اروپا که پس از دوره تاریخی فروپاشی شوروی تا میانه دهه نخست قرن بیست‌ویکم کاهش یافته بود، در سال ۲۰۰۸ و در پی حمله روسیه به گرجستان بر سر مالکیت بر اوستیای جنوبی بار دیگر بالا گرفت. این وضعیت پرتنش در بیش از یک دهه گذشته وخیم‌تر هم شده است. دولت راست‌گرای لهستان، با حاکمیت حزب قانون و عدالت، نماینده سیاسی ناسیونالیسم

جهان



تونیاز خواهد بود که سیاست‌مداری متولد سین‌کیانگ، اویغورتبار و عضو علی‌البدل کمیته مرکزی حزب کمونیست چین است و از ماه سپتامبر به سمت ریاست منطقه سین‌کیانگ گمارده شده است. این انتصاب، گزینه تغییر سیاست‌های پکن در این منطقه را پررنگ‌تر می‌کند.

سین‌کیانگ به دلیل فرارگرفتن در مسیر جاده ابریشم اهمیت راهبردی بالایی دارد. در این منطقه حدود ۱۱۲ نوع مواد معدنی مانند بریلیموم، مسکویت و نترون قابل استخراج‌اند. ۳۸ درصد ذخایر زغال‌سنگ و ۲۵ درصد ذخایر نفت کشور چین هم از این منطقه تأمین می‌شود و همه اینها بر اهمیت این منطقه برای حکومت چین می‌افزاید.

برای پکن، این منطقه دروازه ورود به آسیای مرکزی و قلب اوراسیا نیز هست. به علاوه، خط لوله نفت قزاقستان-چین و خط لوله گاز آسیای مرکزی-چین از طریق سین‌کیانگ وارد این کشور می‌شود. طبق گزارش‌ها، چین تا سال ۲۰۱۷ توانسته بود صاحب تقریبا یک‌چهارم تولیدات نفت قزاقستان شود و ۴۴ درصد مصرف گاز خود را از ترکمنستان وارد کند.

به گفته مقامات دولت چین، سین‌کیانگ منطقه مرکزی ابتکار عمل یک کمربند و یک جاده است و پلی میان آسیا و اروپا محسوب می‌شود. این مقامات بر این ادعا هستند که توسعه اقتصادی بسیار حائز اهمیت است و نخستین هدف آن هم داشتن زندگی بهتر است.

شی جین‌پینگ در سال‌های گذشته تلاش کرده تا به‌عنوان ابرقدرتی بزرگ قد علم کند؛ از همین رو تشدید انتقادهای حقوق‌بشری را او، نافی حضور مسالمت‌آمیز پکن در جهان است و سین‌کیانگ به غیر از نقش ویژه اقتصادی‌اش، امروزه در تعیین سیاست‌های خارجی چین نقش مهمی را ایفا می‌کند. شاید بهترین ویژگی رهبر اقتدارگرای چین را واداشته است تا کمی از سیاست‌های سرکوبگرانه خود عقب‌نشینی کند.

اگر چین به برخورد با اویغورها ادامه دهد، نه‌تنها روابطش با غرب تیره‌تر می‌شود و روز به روز به نگرانی‌های حقوق‌بشری اضافه خواهد شد، بلکه اویغورها بهتر می‌توانند فعالیت‌های ضد چینی خود را افزایش داده و افراد بیشتری را بسج کنند. شاید با ایجاد تغییراتی هرچند اندک در سین‌کیانگ، پکن بتواند چراغ امیدی را برای اویغورها و جامعه جهانی باز کند؛ موضوعی که نمی‌توان چندان به آن امید بست.

قانونی نداشتند و باید مقررات داخلی را اعمال کنند. چالش تقدم قوانین داخلی یا اروپایی، برده آخر تنش میان بروکسل و ورشو است. مسئله حاکمیت قانون، حمایت از حقوق اقلیت‌ها و محدودیت حق سقط جنین، ازجمله موضوعات دیگر مورد جدال میان دو طرف در سال‌های اخیر بوده است. حزب قانون و عدالت لهستان هرگز به‌عنوان یک حزب مخالف اتحادیه اروپا به شمار نمی‌رفت، اما ظاهرا اختلافات دو طرف با پاسخ‌های طرف مقابل مطابقت ندارد. با وجود این اختلاف‌ها و تنش‌ها، تقابل اتحادیه اروپا با روسیه و اقمار اروپایی روسیه ازجمله بلاروس، ورشو و بروکسل را در یک خط قرار می‌دهد. حمایت تمام‌قد «اورسلا فن درلاین» رئیس کمیسیون اروپا و «شارل میشل» رئیس شورای اتحادیه اروپا از ورشو در برابر بلاروس و روسیه در بحران مهاجرت، نشان‌دهنده پیوند محکم و منافع مشترک دو طرف در برابر تهدیدهای مسکو و متحد کوچکش، بلاروس است.

چرخش به راست

«شارل میشل» و «اورسلا فن درلاین» در پایان اجلاس شورای اتحادیه اروپا، زمانی که تنش میان بروکسل و ورشو دستور کار بهرمان ۲۷ کشور اروپایی را تحت‌الشعاع قرار داده بود، با تکرار جمله معروف «همه گزینه‌ها روی میز است» از اعلام تصمیم مشخص درباره مجازات ناقضان حاکمیت قانون و اصول بنیادین حقوقی اتحادیه اروپا خودداری کردند. رئیس‌جمهوری اتحادیه اروپا با لهستان، با وجود تهدید کادرهای حزب عدالت و قانون به «پولکزیت» می‌تواند در چارچوب همین رویارویی مرزی با بلاروس تفسیر شود.

با وجود همبستگی بروکسل با ورشو در ماجرای رویارویی با بحران مهاجرت در مرزهای این کشور با بلاروس، لهستان قصدی برای کوتاه‌امدن در برابر مطالبات اتحادیه اروپا ندارد. حزب حاکم لهستان اخیرا از حضور راست‌گرای‌های افراطی در راهبیمایی روز استقلال این کشور در ۱۱ نوامبر حمایت کرد. این تصمیم در حالی اعلام می‌شود که شهردار چپ‌گرای ورشو در پی تجربه خشونت‌آمیز همین مراسم در سال گذشته، برگزاری راهبیمایی در پایتخت را ممنوع کرده و از حمایت دادگستر هم برخوردار شده بود. راست‌های افراطی سال گذشته در جریان همین مراسم به کتاب‌فروشی‌ها حمله و چندین نفر را زخمی کرده و چند خانه را به آتش کشیده بودند.

منبع: **اگوکمویست**

خبر

رددرخواست ابطال انتخابات پارلمانی عراق

● دادگاه فدرال عراق شکایت ارائه‌شده از سوی ائتلاف الفتح درباره نتایج انتخابات پارلمانی را رد کرد. به گزارش ایسنا، به نقل از شفق‌نیوز، دادگاه فدرال عراق در جلسه‌ای شکایت ارائه‌شده از سوی هادی العامری، رهبر ائتلاف الفتح عراق درباره نتایج انتخابات پارلمانی را بررسی و دراین‌باره حکم صادر کرد.

در این جلسه که پس از سه بار تأخیر برگزار شد، دادگاه ضمن رد درخواست ابطال نتایج انتخابات زودهنگام پارلمانی در عراق عنوان کرد که شورای عالی قضائی صرفا اختیار حل مشکلات مربوط به انتخابات را دارد و بر این اساس شکایت درباره لغو نتایج انتخابات رد می‌شود. دادگاه در جریان قرائت رای اعلام کرد هر حزب سیاسی می‌بایست ظرف مدت سه روز پس از اعلام رسمی به رای شورا اعتراض کند و شورای قضائی اختیار انحصاری حل مشکلات ناشی از انتخابات را دارد و بر این اساس دادخواست لغو نتایج انتخابات رد شد.

ساعاتی پیش از اعلام حکم دادگاه اعتراضاتی در ورودی‌های منطقه سیز آغاز شد. همچنین نیروهای ویژه از شب گذشته تدابیر شدید امنیتی را در داخل منطقه سیز اتخاذ کرده‌اند؛ منطقه‌ای که مقر دولت و پارلمان عراق است و همچنین نمایندگان‌های دیپلماتیک ازجمله سفارت آمریکا در آنجا قرار دارند. طبق اعلام نتایج نهایی انتخابات پارلمانی عراق، فرانسویون «صدر»، وابسته به مقتدی صدر با ۷۳ کرسی در رتبه اول، ائتلاف «تقدم» (پیشرو) که از بزرگ‌ترین ائتلاف اهل سنت محسوب می‌شود) با ۳۷ کرسی در رتبه دوم و ائتلاف «دولت القانون» به رهبری نوری مالکی با ۳۳ کرسی در رتبه سوم قرار گرفتند. پس از اعلام این نتایج هادی العامری رهبر ائتلاف الفتح به آن اعتراض و شکایتی را دراین‌باره به دادگاه فدرال عراق ارائه کرد.

اسرائیل تعداد شهرک‌نشین‌های جولان را دو برابر می‌کند

● نفتالی بنت، نخست‌وزیر اسرائیل می‌گوید می‌خواهد تعداد شهرک‌نشین‌های یهودی در بلندی‌های جولان را دو برابر کند. این بخش از طرحی چندمیلیون‌دلاری با هدف تثبیت سیمپره اسرائیل بر این منطقه کوهستانی است که بیش از ۵۰ سال پیش در جریان جنگ از سوریه آن را تصرف کرد و همچنان به اشغال غیرقانونی آن ادامه داده است.

به گزارش ایندپیندنت، همه کشورهای دنیا به‌جز آمریکا، بلندی‌های جولان را جزء خاک سوریه می‌دانند. واشنگتن در زمان دولت پیشین دونالد ترامپ در مارس ۲۰۱۹ تصمیم گرفت جولان را به‌عنوان بخشی از خاک اسرائیل به رسمیت بشناسد تا اولین کشور جهان باشد که چنین می‌کند، اما دولت جو بایدن، رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا این تصمیم را عوض نکرده است.

بنت گفت اقدام ترامپ در به‌رسمیت‌شناختن جولان و اقدام بایدن به تداوم این تصمیم باعث سرمایه‌گذاری‌های جدید در این منطقه شده است. بنت که در جلسه ویژه کابینه اسرائیل در بلندی‌های جولان صحبت می‌کرد، گفت: «این لحظه ما است. این لحظه بلندی‌های جولان است. پس از سال‌های طولانی و ایستا از نظر میزان اسکان، هدف ما امروز دوبرابرکردن ساکنان جدید در بلندی‌های جولان است.»

به گزارش دفتر بنت، تل‌آویو در حدود یک میلیارد *شیکل* (معادل بیش از ۳۰۰ میلیون دلار) برای توسعه جولان سرمایه‌گذاری می‌کند و ازجمله دو شهرک جدید خواهد ساخت. اسرائیل در ضمن قرار است سرمایه‌گذاری‌هایی در زمینه گردشگری، صنعت، انرژی پاک و فناوری بکند که هزاران شغل جدید ایجاد خواهد کرد.

تثبیت سیمپره اسرائیل بر جولان باعث می‌شود هرگونه امکان صلح با سوریه که جولان بخشی جدانشدنی از خاک آن است، در آینده پیچیده شود. سوریه و اسرائیل در دهه ۱۹۹۰ مذاکراتی طولانی داشتند که طی آن قرار بود سوریه در ازای پس‌گرفتن جولان، اسرائیل را به رسمیت بشناسد. این مذاکرات در پی درگذشت حافظ اسد، رئیس‌جمهوری وقت سوریه، در سال ۲۰۰۰ متوقف شد، گرچه در زمان جانشین او، بشار اسد نیز مذاکرات مخفیانه به میانجیگری آمریکا ادامه یافت.

بنت اکنون ادعا می‌کند جنگ داخلی طولانی در سوریه باعث شده فکر اینکه جولان باید در دست اسرائیل بماند، برای متحدان بین‌المللی اسرائیل پذیرفتنی‌تر باشد. او گفت هر سازبوی دیگری بدتر از این خواهد بود.

جمعیت کنونی جولان حدود ۵۰ هزار نفر است. از این میان، در حدود ۲۵ هزار نفر اغلب یهودی اسرائیل هستند که در نیم‌قرن گذشته به آنجا نقل‌مکان کرده‌اند و در حدود ۲۳ هزار نفر از ساکنان روستاهای دروزی‌نشین عرب‌اند که بیش از جنگ ۱۹۶۷ شهروند سوریه بوده‌اند. به گزارش دفتر بنت، مدت کوتاهی پس از سخنرانی او، به نخست‌وزیر اطلاع داده شد که آزمایش کروناي دخترش مثبت شده است. او بلافاصله جلسه را ترک کرد و در خانه خود قرنطینه شد. دفتر بنت تأکید کرد آزمایش سریع نخست‌وزیر پیش از جلسه منفی بوده است.